

در تاریخ ۱۱۸۵ قبل از میلاد «کاسیت ها» مجبور بترك جلگه بین النهرین و مراجعت بوطن اصلی خود یعنی کوههای «زاگرس» گردیدند اما در اینجا نیز یادگار صنعت بابلی را حفظ کردند. در روی اشیاء برنزی موضوعهای آنرا که در بابل بوده نقش میکردند ولی بمرور زمان صنعت مزبور را فراموش و در عوض روابطشان با مردم شمالی یعنی اهالی طالش - قفقازیه و جنوب روسیه زیاده تر گردید - در قرن هفتم پیش از میلاد هنگامیکه آشوریها با همسایگان خود در جنگ بودند بیشتر اسبهای خود را از «کاسیت ها» میخریدند.

پس از تشکیل امپراطوری هخامنشی از قوه و قدرت «کاسیت ها» کاسته شد و صنعت آنها از بین رفت و جز نامی از آنها باقی نماند. گله بانان لر مجدداً داخل کوهستانهای خود شده بچادرنشینی و گله چرانی مانند چهار هزار سال پیش مشغول شدند و همانطور که از تمدن سومریها و بابلیها در مدت پانصد سال اقامت خود در جلگه بین النهرین استفاده ای نکرده بودند در بقیه مدت تاریخ خودشان نیز از امتزاج با سایر قبایل امتناع ورزیده بوضعیت اولیه خود باقی ماندند.

ظروف سفالی لرستان :

اهالی لرستان که در صنعت برنزکاری در ردیف اول مردم پیش از تاریخ قرار گرفته بودند. در کوزه گری از خود هیچ ابتکاری نشان نداده و در این قسمت از سایر اقوام آن روزی عقب مانده اند. ظروف سفالی لرستان از حیث شکل - رنگ - ضمیر و تقسیمات شباهت کامل بظروف تپه گیان دارد جز اینکه طبقه پنجم تپه گیان در لرستان بسیار کمیاب است.

چنین بنظر می آید که سازندگان ظروف سفالی لرستان مردم بومی آن سرزمین بوده و از حیث تمدن و نژاد با مردم تپه گیان (نپاوند) و سایر نواحی پیش از تاریخ ایران خویشاوندی داشتند. سپس «کاسیت ها» از جانب قفقاز هجوم آورده سرزمین آنها را غصب و بر آنها ریاست نمودند ولی با آنها امتزاج پیدا نکردند باین ترتیب مردم بومی در تمام مدت استیلای کاسیت ها بتمدن خود ادامه داده ظروف سفالی لرستان شبیه به «تپه گیان» را بوجود آوردند و کاسیت ها نیز بساختن برنزه های ذیقیمت خود که بمنزله جواهرات آن روز شمرده میشد مشغول شدند.

کتبی که در نوشتن این مقاله مورد استفاده قرار گرفته

- I — Dictionnaire des Antiopu l'ees
- II — Encyclopedia-Britanica
- III — Revue d'Anthropologie d'Paris
- IV — Journal-Asiatique
- V — Syria (Ceuthner)
- VI — Contenau: Manuel d'Archeologie
- VII — L-Delaporte-La Mesopotamie
- VIII — Haut-La Perse Contique et la Civilation
- IX — J De Morgan: des Premciss Civilation
- X — J De Morgan: — Memoires de la delegation
- XI — J De Morgan: Mission Scientifique en Perse
- XII — J De Morgan: Mission de Caucase
- XIII — Perrot- et Chipiez: histore de l'Art
- XIV — Thureau — Dangin: Rituel Accadiens 1921
- XV — Raubinson: Notes on a march from Zohab at foot of-Zagzos along the mountains
- XVI — Loftus: Travels and Researches
- XVII — Flandin et Cost: Voyage en Perse
- XVIII — Sarre: L'Art de la Perse ancienne
- XIX — Pottier: une theorie nowelle
- XX — Erich Eschmidt: excavation
- XXI — Arthur Pop.

فرمان نویسی در دوره صفویه

دگرگونی‌های ژرفی که بدنبال پیشرفت سریع تمدن در همه امور زندگی بشر رخ داده نه تنها چهره زندگی مادی، بلکه سیمای بسیاری از علوم را نیز آنچنان دگرگون ساخته که گاهی باز شناختن آنها دشوار بنظر میرسد. از جمله این علوم یکی نیز تاریخ نویسی است، علمی که از دیر باز مورد توجه بشر بوده است.

از آن زمان که افرادی بنام مورخ حاصل تخیلات و افکار و گاهی نیز تمایلات و خواسته‌های خود و دیگران را در کتابهای قطور گرد آورده و بر آن نام تاریخ می‌نهادند دیری نمی‌گذرد. نمونه‌های بسیاری از این کتابها وجود دارد که متأسفانه تعداد آنها خیلی بیشتر از تاریخهای مستدل و واقعی می‌باشد. اما امروز وضع چنین نیست. هیچ تاریخی مورد قبول اهل فن و پژوهندگان حقایق قرار نمی‌گیرد، مگر اینسکه بر پایه اسناد و مدارک و منابع معتبر قرار گرفته باشد.

روی کلمات اسناد، مدارك و منابع بایدتکیه بیشتری کرد. درست است که یافتن مدارك مورد اطمینان و معتبر کاری است دشوار، و این گونه مدارك محدود و گاهی نادرند اما اگر مورخی در جستجوی شناخت حقیقت و تدوین تاریخ قابل اعتمادی باشد، بناچار باید بتلاشی بزرگ دست یازد، تا در کار خود موفق گردد.

از جمله منابع و مدارك قابل اعتماد و پر ارزش تاریخی یکی هم فرمانهاست این اسناد در نمایش وضع سیاسی و اجتماعی هر عصر، کمک شایانی بمورخان پژوهندگان حقایق روزگاران گذشته میکند.

متأسفانه تا کنون توجه چندانی باین اسناد پراج تاریخ وطن مانده، و مرکزی برای گردآوری فرامین، یا لافل رونوشت و عکسهای آنها بوجود نیامده است در حالیکه این اسناد پربهای تاریخی، خود به تنهایی میتواند پایه و آرشیر بزرگ ملی، و مرجع پژوهندگان و تاریخ نویسان گردد.

پس از این گفتگوی کوتاه پیرامون ارزش و اهمیت فرمانها در کار تاریخ نویسی، بهگونگی فرمان نویسی در دوره صفویه می پردازیم؛ دوره ای که در تاریخ ایران پس از اسلام شکوه و درخششی افتخار آمیز دارد.

در این دوره فرامین چطور صادر میشود؛ چه کسی آنها را می نوشت؛ تشریفات صدور فرمانها چگونه بود؟

برای یافتن پاسخ این سؤالات باید بروزگار پیر شکوه و جلال صفوی بازگردیم. اما یافتن پاسخهای قانع کننده در نوشته های مربوط باین عصر متأسفانه آسان نیست. با اسناد روشنی که چگونگی تشکیلات دولت بزرگ صفوی را شرح دهد دسترسی نمی باشد. کتابی از مدارك نادر و کمیاب بنام «تذکره الملوك» باقی مانده که آنهم پس از شورش افغانه برشته تحریر در آمده است.

محتویات این کتاب نیز در باره سازمانهای اداری دولت صفوی آنطور که باید و شاید گویان نیست. علت آنهم روشن است. کتاب ظاهراً هنگام غصب سلطنت ایران بوسیله اشرف افغان و بدستور او نگاشته شده است و در چنان آشفتگی تلخ و حزن آلودی پیدایش یک اثر علمی دقیق میسر نبوده است. نگارنده کتاب با عجله بسیار دست بکار تدوین آن شده، زیرا اشرف

واطرافیان وی در خود نیازی شدید بکسب اطلاعاتی از سازمان و تشکیلات دولت صفوی حس میگردند، و بی اطلاعی آنان از تشریفات و رسوم دربار صفوی از اعتبار و ارزشی که غاصبانه بدست آورده بودند میکاست و موقعیت آنان را بشدت متزلزل میساخت. بیم از هم پاشیدگی امور آنها را بکسب اطلاعاتی در این باره واداشت، و این بیم منجر بصدور دستور تدوین عجلولانه کتاب تذکرة الملوك گردید.

نویسنده نا شناس کتاب خود مینویسد: «این خلاصه ایست مسما به تذکرة الملوك که مشتملست بر دستور العمل خدمت هر یک از ارباب مناصب در گاه معلی، موافق از مننه سلاطین صفویه که در این وقت حسب الامر الاعلی بطریق اجمال و استعجال بموقف عرض میرسد».

باتوجه باعتراف نویسنده کتاب به تعجیل در نگارش و آشفتگی شدید کشور در دوره کوتاه سلطنت اشرف (از سال ۱۱۳۷ - ۱۱۴۲ هجری) پیداست که این کتاب نمیتواند حاوی مطالبی دقیق و بدون اشتباه باشد. گذشته از این نویسنده تذکرة الملوك که خود از سازمان اداری و مناصب، و مقامات و وضع اجتماعی و سیاسی دوره صفویه مطلع بوده، متأسفانه بنا بنوشته پرفسور مینورسکی «خواننده را به جزئیات دستگاه آشنا فرض میکند»^۲. بنابراین از ذکر توضیحات و ادای جزئیات خودداری کرده، بدین نحو غالباً مطالب در پرده ابهام باقی میماند.

سبک نگارش منشیانه و بکار بردن اصطلاحات اداری زمان نیز با بهام مطالب میافزاید، تا جائی که در بعضی از قسمتهای کتاب سه عامل اختصار، نگارش منشیانه و اصطلاحات اداری عرصه را بر خواننده بکلی تنگ میکند.

منبع مهم دیگری که بروشن شدن وضع اداری دوره صفویه کمک بسیار میکند، یاداشتها و تعلیقاتی است که پرفسور مینورسکی بر کتاب تذکرة الملوك نوشته است.

این یاداشتهای پر ارزش که بصورت کتابی تحت نام «سازمان اداری

۱ - تذکرة الملوك چاپ تهران ص ۱

۲ - سازمان اداری حکومت صفوی - ص ۲۵۸

حکومت صفوی،^۳ بفارسی ترجمه و چاپ شده است، بسیاری از اشکالات موجود در کتاب «تذکره الملوك» را مرتفع میسازد و تا حد زیادی وضع دولت صفوی و تشکیلات آنرا برای خواننده روشن میکند اما درباره موضوع اختصاصی مورد بحث ما، یعنی چگونگی فرمان نویسی متأسفانه هیچیک از دو کتاب چنانکه باید و شاید کمک شایان توجهی نمیکند و از ابهام موضوع نمی‌کاهد. خود پرفسور مینورسکی در بخش اقسام اسناد و مدارک اداری اعتراف میکند که «تشخیص بین تمام این اقسام هنوز مبهم است»^۴ و منظور وی انواع فرمانهای دوره صفویه است.

مهمترین مدارکی که میتواند روشن کننده وضع و چگونگی فرمان نویسی و طی تشریفات اداری آن باشد خود فرمانهای دوره صفویه است، که این مدارک نیز بسیار کم و پراکنده اند.

پرفسور مینورسکی می نویسد «مطمئن ترین وسیله برای مطالعه دقیق و صحیح در وضع اداری صفویه عبارتست از بررسی در اصل مدارک دوران صفوی اما این عمل را در حال حاضر نمیتوان بطور کامل انجام داد تعداد فرامینی که در مجموعه س - چرچیل موجود میباشد چندان نیست»^۵ و همین کمبود مدارک سبب شده است که پرفسور مینورسکی موفق بشناخت انواع فرامین دوره صفوی نشده و نتواند نتیجه گیری موثری در این باره بکند.

خوشبختانه اخیراً این کمبود و پراکنندگی با وجود دو جلد کتاب «فرامین فارسی ماتناداران» و یک جلد کتاب «مدارک تاریخی ایران در کتابخانه کرجستان» تا حدی جبران گردیده است^۶ اشکال مهم دیگری نیز در مطالعه اصل فرمانها موجود است، و آن عبارات از عدم دسترسی بمهر ها و نوشته های پشت آنهاست. زیرا برای حفاظت فرامین از پارگی، و گاهی برای تعمیر

۳ - ترجمه آقای مسعود رجب‌نیا - تهران ۱۳۳۴

۴ - سازمان اداری حکومت صفوی - س ۲۷۱

۵ - سازمان اداری حکومت صفوی - س ۲۶۱

۶ - در اینجا لازم است که از آقای محمدعلی کریم زاده که این جلد کتاب پردازش

و نایاب را در اختیار نویسنده گذاشته اند سپاسگزاری کنم

نقاط پاره شده، فرمانهار اروی کاغذ دیگری چسبانده اند. بدین ترتیب تمام مهرها و نوشته‌ها، که نشان دهنده ترتیب ثبت و ضبط آنها در دفاتر و مراجع مختلف است، پوشیده شده است.

با همه این اشکالات منابع و اسناد موجود تا حد قابل اعتمادی جریان فرمان نویسی در دوره صفویه را برای ما روشن میسازد.

پیش از آنکه بچگونگی نگارش فرمانها در این دوره بپردازیم، لازم است که با نام انواع آنها آشنا شویم.

فرمانهای دوره صفویه عبارت بود از: ارقام، احکام و پروانچه‌ها. طبقه بندی بالا و توضیحاتی که درباره هر یک داده خواهد شد، بر مبنای مطالعه و مقایسه تعداد نسبتاً زیادی از فرمانهای موجود دوره صفویه قرار دارد، و گرنه هیچیک از دو کتاب «تذکره الملوك» و «سازمان اداری حکومت صفوی»، درباره آنها توضیحات روشنی نمیدهند.

۱ - ارقام

رقم عنوانی بود برای فرمانهایی که شخص شاه مستقیماً دستور صدور آنها را میداد. دستور شاهی بدون نحو ابلاغ میگردد. یا بصورت کتبی در حاشیه عرایض و درخواستها، و یا بصورت شفاهی که در آن صورت آنرا «رقم بالمشافه» میخواندند.

رقم غالباً برای انتصابات مهم^۷ مانند وزارت، استیفا، صدارت، کلانتری (عکس شماره ۱) خلیفگی اراهنه^۸ و امور مالی مانند سیورغال، معافیت (عکس شماره ۲)، اجازه تصرف موقوفات^۹ یا رفع مزاحمت^{۱۰} و حمایت از اراهنه^{۱۱} صادر میشد.

۷- فرمان ش ۱۷ کتاب مدارک تاریخی

۸- فرمان ش ۲۳ ج ۲ فرامین فارسی ماتناداران

۹- فرمان ش ۲۰ کتاب مدارک تاریخی

۱۰- فرمان ش ۲۷ ج ۲ فرامین فارسی ماتناداران

۱۱- فرمان ش ۱۰ ج ۲ فرامین فارسی ماتناداران

ارقام گاهی نیز برای ابلاغ رضایت و مرحمت شاهی نسبت باشخاص ۱۲ یا انجام دستورات شخص شاه ۱۳ صادر میگردد. فرمانهای مربوط بامور «خاصه» نیز بصورت رقم ابلاغ میشود. شاردن در کتاب تاجگذاری سلیمان مینویسد :

«وقتی پادشاهی بر تخت می نشیند باید برای بیکلریکها یعنی حکام کل، و خوانین یعنی حکام جزء و امراء و وزراء مختصراً تمام مامورین دولتی حکمی موسوم بر رقم و لباسی موسوم به خلعت فرستد. این دو قطعه سبب استحکام مأموریت آنها میشود و علامت تصدیق ملوکانه است.»

با این توضیح روشن است که ارقام از فرامین درجه اول سازمان حکومت صفوی بشمار می آمدند. بکلمه رقم در آخر کلیه ارقام موجود از دوره صفوی برمیخوریم.

«و چون رقم بمهر مهر آثار اشرف رسد اعتماد نمائید»

«رقم اشرف باسم سلطنت و ایالت پناه . . . صادر شد»

پرفسور مینورسکی مینویسد «رقم اصطلاح کلی است که شامل حتی اوامر شفاهی شاه نیز میشود»^{۱۴} در کارت تهیه و صدور ارقام مجلس نویس یا واقعه نویس نقش مهمی بعهده داشت. ارقام شاهی بوسیله مجلس نویس نوشته یا انشاء میشود. مجلس نویس دارای عنوان عالیجاه مقرب الخاقان بود و نویسنده تذکره الملوك اورا «مجلس نویس محفل بهشت آئین» مینامد، و در شرح وظایف او چنین می نویسد :

«تفصیل شغل واقعه نویسان آنست که جواب نامهائی که از پادشاهان،

به پادشاه ایسران نوشته شده، واقعه نویس انشاء نماید و ارقام مناصب و ملازمت و همه ساله و تیولی که از دفاتر خلود صادر شود، و هر گونه رقمی که پادشاه «بزبانی» مقرر دارد، که آنرا مشافهه میگویند یا این که از قرار تعلیقه عالیجاه وزیر دیوان اعلی، یا اینکه بقید «حسب الامر اعلی» امرا و مقربان بر ساله خود چیزی نوشته و بواقعه نویس سپارند، باطلاع و طغراء قلم و مداد واقعه نویس ارقام مذکور میگردد. و طغراء کشیدن ارقام بقلم سیاهی

۱۲- فرمان ش - ۳۷ ج ۲ فرامین فارسی ماتناداران

۱۳- فرمان ش - ۳۳ کتاب مدارک تاریخی ایران

۱۴- سازمان اداری حکومت صفوی - ص ۲۷

مختص واقعه نویس ، و بدیگری نسبت ندارد»^{۱۵}
 مجلس نویس پس از وزیر اعظم (اعتمادالدوله) مهمترین مقام دولتی را داشت . در مجلس رسمی در طرف چپ شاه می نشست و بدین مناسبت به وزیر چپ (وزیر دست چپ) مشهور بود (در مقابل وزیر اعظم که وزیر دست راست خوانده میشد) .

« عرایض و فصول امرا و احکام که از ممالک معروسه بپایه سریر اعلی فرستاده شود ، پادشاه همگی را نزد مجلس نویس میفرستد که در خدمت اشرف فصول و عرایض را در مجالس خاص و عام خوانده جواب آنرا قلمی مینماید ، و آنچه را باید رقم صادر شود از قرار یادداشت بمسوده واقعه نویس ، رقم نویسان توابع واقع نویس قلمی مینمایند»^{۱۶}

بدین ترتیب مجلس نویس از کلیه امور کشور مطلع بود و در کلیه مجالس و شوراها شرکت می جست و از محارم بسیار نزدیک شاه بشمار می آید .
 « از طرفی مجلس نویس منشی سلطان بود . سانسون او را منشی منحصر بفرد کشور و کمپفر منشی بزرگ یا اعظم کشور مینامد »^{۱۷}
 تاورنیه می نویسد :

« وقایع نویس بزرگترین نویسنده و منشی دولت است ، و این منصب بواسطه اهمیت فوق العاده جز بکسیکه پیش شاه خیلی مقرب است داده نمیشود . و این شخص همه عریضه ها و نوشته های دولتی را در حضور شاه قرائت مینماید »^{۱۸}

از امتیازات مهم مجلس نویس این بود که در هر وضع و موقعیت اجازه داشت بحضور شاه برسد و درخواستهای خود و دیگران را معروض دارد . این نزدیکی بشاه سبب میگردید که کلیه امراء و بزرگان در جلب دوستی مجلس نویس کوشا باشند ، تا بوسیله او خود را بشاه نزدیکتر کنند .

۱۵ - تذکره الملوك چاپ تهران - ص ۱۵

۱۶ - تذکره الملوك - ص ۱۵

۱۷ - سازمان اداری حکومت صفوی - ص ۹۶

۱۸ - سفرنامه تاورنیه - ص ۵۷۶

زیردستان مجلس نویس شامل ده نفر بشرح زیر بودند :

رقم نویس دیوان اعلی	یک نفر
دستیاران رقم نویس	سه نفر
سررشته داران ثبت ارقام	یک نفر
نامه نگار	یک نفر

رقم نویس ارقامی که بمسوده دفاتر صادر میشد دو نفر و دو نفر که بخدمات دفتری اشتغال داشته اند.

بررسی وظایف مجلس نویس نشان میدهد، که ارقام منحصرأ در دستگاه اداری او تهیه میگردد است. وجود رقم نویسان متعددی که زیر نظر او بکار اشتغال داشتند این موضوع را ثابت میکند. مجلس نویس سالانه ۳۰۰ تومان بابت مقرری، و تومانی دویست دینار از قبول همه ساله امر را دریافت میداشت. بعلاوه مبلغ ۳۰ تومان بعنوان کاغذ بها از محل وجوهات اصفهان باو پرداخت میشد. از مجلس نویسان مشهور زمان شاه عباس میرزا طاهر نظنزی معروف بهیرزا ابوالعالی یا «آقامیر» بوده است. وی بحدی مورد مهر و علاقه و اطمینان شاه بود که شاه عباس در باره او میگفت: «مهر من اعتباری ندارد بلکه خط آقامیر معتبر است»^{۱۹}

ارقام را میتوان بچند دسته تقسیم کرد :

- ارقامی که طبق دستور شفاهی پادشاه صادر میشد (ارقام بالمشافه)
- ارقامی که بر مبنای عرایض صدور می یافت.
- ارقامی که بر پایه تعلیقه اعتماد الدوله یا بر ساله یکی از «امرا و مقرران» تهیه میگردد.
- ارقامی که از دفاتر خلود صادر میشد.

در مورد اول دستور صدور فرمان از طرف شاه بطور شفاهی بمجلس نویس داده میشد. مجلس نویس یا خود فرمان را می نوشت، و یا مسوده آنرا تهیه کرده بیکدی از رقم نویسان زیر دست میداد تا فرمان را تهیه کند. سپس در

۱۹ - نگاه کنید به کتاب زندگی شاه عباس اول نوشته استاد نصرالله فلسفی

آغاز فرمان جمله « حکم جهانمطاع شد، و در پشت آن جمله « هو بالمشافهة العلیة العالیة» رانوشته و بعد فرمان برای مهر شدن آماده میشد.^{۲۰} طرز تهیه ارقام دسته دوم چنین بوده که وقتی عریضه‌ای بحضور شاه تقدیم میکردید واقعه نویس آنرا در مجلس شاه میخواند و دستورات شاهی را در کنار عریضه یادداشت میکرد و بر مبنای آن دستورات، ارقام لازم صادر میشد.

اینکه پروفیسور مینورسکی به پیروی از نظر شاردن نوشته است که « در اولین فرصت عریضه مزبور برای شاه، یا بوسیله صدر اعظم یا بوسیله ناظر خواننده و نظر شاه در حاشیه آن نوشته میشد »^{۲۱} متأسفانه صحیح نیست. زیرا تذکره الملوك بصراحت نوشته است که « هر گونه عریضه که هر کس بخدمت پادشاه بدهد، خواندن عرایض و جواب نوشتن در خدمت بندگان اشرف بدیگری غیر از مجلس نویس نسبت ندارد»^{۲۲} این نظر را تاورنیه نیز تأیید کرده است.

هر گاه برای صدور فرمان لازم بود بفرامین قبلی، یا دفاتر دیوانها مراجعه گردد، و یا در باب عریضه تحقیق شود، یا «مثال» صادر گردد عین عریضه حاشیه نویس شده را بمتصدی دیوان مربوطه، یا شخص صاحب صلاحیت دیگری ارجاع میکردند. وی پس از تحقیق نتیجه را زیر دستور شاه می نوشت و دو باره بعرض میرساند، و آنگاه برای صدور فرمان دستور صادر میشد. نمونه کامل و روشن این تشریفات در عریضه خلیفه اوچ کلسیا به شاه عباس دوم، و فرامین صادر شده از طرف شاه عباس دوم در پاسخ این عریضه مشاهده میگردد. (عکس شماره ۳)

متن این عریضه و دستوراتی که شاه در مورد هر قسمت صادر کرده است بشرح زیر است:

۲۰- نگاه کنید بفرمان ش ۳۳ ص ۸۴ کتاب « مدارک تاریخی ایران در کتابخانه گرجستان »

۲۱ - سازمان اداری حکومت صفوی - ص ۲۵۸

۲۲ - تذکره الملوك چاپ تهران - ص ۱۶

مهر مسوده
دیوان اعلی

بنده شاه ولایت عباس ثانی

بموجبی که فصول ثلثه مزبوره بجواب
صواب مقرون گشته عمل نمایند و از مضمون
و مدلول آن عدول و انحراف نورزند و در
عهده شناسند .

تحریراً فی شهر صفر ختم بالخیر والظفر

سنه ۱۰۶۰

عرضه داش — ت

بنده دعاگوی فیلقوس خایفه اوچ کلیسیا

بذروه عرض میرساند که مردم ارمنه بومی اینحدود در دارالسلطنه اصفهان
ساکن اند و جمعی که الحال در این ولایت سکنی دارند بنا بر الطاف و شفقت و
مرحمت بیغایات پادشاهانه از ولایات بتدریج آمده اند و سیصد نفر دعاگوی
نواب اشرف ارفع همایون که جان صد هزار چون ما دعاگویان فدای سم سمند
مبارکش باد در اوچ کلیسیا شب و روز بدعا کوئی مشغولند و زندگانی ایشان
بهمه ابواب از صدقه فرق مبارک ارفع همایون اعلی است و از آن تاریخ که این
ولایت در تحت تصرف رومیه شومیه بوده تا یومنا هذا همه وقت آنچه لازمه جان-
فشانی و دولتخواهی آن دودمان ولایت نشان بوده از جماعت ارمنه و این
فقیران بعمل آمده و هر گز امری که باعث خلاف یکرنگی و یکجهتی و اطاعت
و انقیاد و فرمانبرداری بوده از این فقیران و جماعت ارمنه بوجود نیامده و نخواهد
آمد و ظهور این معنی بر بار یافتگان مجلس خلد آئین نواب مستطاب سلطان-

العلمائی ایران مداری اظهر من الشمس است چنانچه در فتور خندکار نابکار جمعی از مردم اعیان که پیوسته بنوازشات و انعامات بیکران در میان امثال و اقران سرافراز بوده طریق عصیان و خلاف پیش گرفته بجانب روم رفته بمرتضی پاشا گفتند که جماعت نخچوان وارد و باد بنا بر آنکه شیعه و صوفی و بیکر نک پادشاهان سلسله صفویه اند بسلام تو نیامده اند مرتضی پاشا بنا بر سخنان ایشان چند هزار کس مقرر نمود که نخچوان وارد و باد را تاخت و تاراج نمایند بنده کمترین بنا بر مصلحت وقت مبلغ دو بیست تومان بمرتضی پاشا داده و باین وسیله دفع شر او نموده و نگذاشت که یکخانه از آرامنه متفرق شده بسحل دیگر روند دیگر معروض میدارد که در این ولا بتوفیق و بیمن توجه نواب عالمیان بآب نهری که شش هفت آسیاء بآن دایر گردد بجهت نیک آبی ناحیه کرپی از نزدیکی قارص که الکاء روم است مبلغها خرج نموده و ریاضتها کشیده تا آنکه بمحال کرپی آورده و بر عالمیان ظاهر است که حاصل محال مذکور قلیل بود و الحال بهمد آن آب حاصل اضافه شده است بنا بر حق السعی فقیر و کلاء عظیم الشأن کیخسرو خان بیگلربیگی چخور سعد منال حاصل قریه اوچ کلیسیا (ی) مذکور را مع اخراجات چند قطعه باغ و زمین و آسیاء که وقف اوچ کلیسیاست و چوپان بیگی تصدق قرن مبارک همایون اعلی کرده بجهت کلیسیا و وظیفه خواران اوچ کلیسیا مقرر نموده که وظیفه خواران بر فاه حال بدعا کوئی دوام دولت بیزوال اشتغال داشته باشند چون در همه باب سبب خیر و باعث ازدیاد دعای ذات اشرف آن قبله و کعبه این فقیرانند استدعا آنکه در این باب نیز باعث شده حکم عدالت شیم نواب اشرف صادر گردد که حاصل آن محال مع اخراجات محال وقفی اوچ کلیسیا بر کلیسیا و وظیفه خواران دایمی باشد که باعث امیدواری و رفاه حال این فقیران خواهد بود .

از ابتداء سه ماهه اودئیل منال محل
مزبور بقید آنکه چون حقیقت اصل
جمع و برآوردی محل ایالت پناه
مزبور (ر) ضانامچه در این باب
نوشته بقید آنکه مادام که ایالت
پناه مزبور بیکر بیگی بوده باشد
بروجه وظیفه خلیفه مزبور مقرر
شده حکم اشرف مسوده نمایند

بنده شاه ولایت عباس ثانی

مهر مسوده
دیوان اعلی

هو
حقیقت اصل جمع و برآوردی محل
مزبور را قلمی نمایند

هو
حقیقت قلمی نمایند

هو
مینمایند

محمد صالح بعرض میرساند که مال
قریه وانک اوج کلیسیا ناحیه کربی
چخور سعد بمبلغ پنج تومان تبریزی
جمع و بتیول بیکر بیگی چخور
سعد مقرر است و از قرار برآورد
مبلغ ۲۱ تومان میشود .

تا واضح باشد برین موجبست

اصل فرع

۵ تومان ۱-۴ من یک ونیم

۲۰ تومان ۳ تومان

«مهر»

دیگر بعرض میرساند که اوقاف اوج کلیسیا و غیره کلیسیاها از محل زراعت
و غیره از زمان حضرت عیسی و خواریون تا حال بوقفیت برقرار بوده الحال
جماعت بخلاف حق و حساب و شلتاق دعوی بر آن مینمایند استدعا آنکه در این
نیز حکم اشرف صادر گردد که آن محال را بطریق سنوات سابقه وقف دانسته و
بمحض دعوی مزاحمت نرسانند که باعث امنیت خاطر این فقیران است. امر کم مطاع

هو

حکم حسابی و شرعی بشرح احکام سابقه بمسوده

دیوان الصدارة العالیه العالیه قلمی نمایند .

بنده شاه ولایت عباس ثانی

مهر مسوده دیوان اعلی

دیگر بعرض میرساند که این بنده را هفتاد سال از عمر گذشته و همیشه اراده قدس خلیل و بیت المقدس داشته‌ام استدعا آنکه بنا بر الطاف بیدریغ خود رخصت رفتن قدس خلیل و بیت المقدس شفقت فرمایند که باعث امیدواری این فقیر خواهد بود. ظل عالی مجلد و مستدام باد امر کم مطاع

هو

مرخص فرمودیم که شخصی را بنیابت خود تعیین نموده روانه شود

بنده شاه ولایت عباس ثانی

مهر مسوده

دیوان اعلی

چنانکه دیدیم در مورد سه درخواست خلیفه اوج کلیسا سه دستور لازم از طرف پادشاه صادر گردیده است.

۱ - صدور حکم لازم برای بیکلر بیگی چخور سعد (ارمنستان) درباره معافیت از پرداخت مالیات

۲ - صدور حکم در مورد رفع مزاحمت بمسوده دیوان صدارت (فرمان شماره ۳۸ - ج ۲ فرامین ماتناداران)

۳ - صدور «رقم» لازم مبنی بر مرخصی خلیفه اوج کلیسا بشرح زیر:
(فرمان شماره ۴۳ ج ۲ فرامین ماتناداران عکس شماره ۴)

هـ: « بنده شاه ولایت عباس ثانی »

حکم جهانمطاع شد آنکه زبده الامائل والاشباه عمدة المسیحیه فیلقوس خلیفه اوج کلیسیا بشفقت شاهانه امیدوار بوده بداند که عریضه که درینو با بدر گاه جهان پناه فرستاده استدعا نموده بود که آن عمدة المسیحیه را مرخص فرمائیم که بزیرت قدس خلیل رود بنظر کمیها اثر رسیده حسب الاستدعاء آن عمدة المسیحیه او را مرخص فرمودیم می باید که نایبی تعیین نموده روانه شود جماعت مسیحی الکاء مزبور از سخن و صلاح حسابی نایب مزبور بیرون نروند و در عهده شناسند.

تحریر افی شهر جمادی الاول سنه ۱۰۶۰

دسته سوم ارقامی بود که بر مبنای تعلیقه اعتمادالدوله، یا بر اساس نوشته یکی از امرا و مقرران تهیه میگردید. این ارقام وقتی صادر میشد که دستور صدور آنها از طرف شاه مستقیماً با اعتمادالدوله یا یکی از امرا داده میشد. در اینصورت اعتمادالدوله تعلیقه ای مینوشت و بمجلس نویس میداد تا بر مبنای آن رقم صادر شود. در موردی که دستور یکی از امرا داده شده بود او میتواند تعلیقه ای نوشته و با ذکر جمله «حسب الامر اعلی» آنرا بمجلس نویس دهد تا بر اساس آن رقم صادر شود. ظاهراً در اینگونه موارد لازم بود که تعلیقه قبل از آنکه بصورت رقم درآید بمهر اعتمادالدوله نیز برسد.

پشت اینگونه ارقام نوشته میشد: «از قرار نوشته وزارت و اقبسال پناه و حشمت و اجلال دستگاه عالیجاه. . . اعتمادالدوله العلیه العالیه الخاقانیه»^{۲۳} و در مورد دوم جمله «حسب الامر اعلی» نیز قبل از آن نوشته میشد. چهارمین و آخرین دسته ارقام آنهائی بودند که بنا بنوشته تذکرة الملوك از دفتر خلود، صادر میشد.

هر گاه لازم بود که رقم جدیدی در تائید ارقام گذشته صادر شود، بدفاتر مزبور مراجعه میشد و از ارقام مورد نظر مسوده ای صادر گردیده، نزد مجلس نویس میفرستادند. این دفاتر را دفتردار دفترخانه همایون اعلی نگاهداری میکرد.

تذکرة الملوك در باره وی می نویسد:

«شغل مشارالیه آنست که دفاتر سنوات سابقه که همیشه رجوعی بآنها نبود بعضی اوقات رجوع میشده، در انبار دفترخانه مربوطه بود تحویل دفتردار، و ضبط دفتر مزبور با او بوده است»^{۲۴} مسوده صادر شده ظاهراً بایستی در دفترخانه همایون اعلی تصحیح و بمهر ناظر دفترخانه رسیده و سپس نزد مجلس نویس فرستاده میشد. در اینگونه موارد در متن فرمان جدید بفرمان سابق اشاره میگردید. اما نام شاه در گذشته برده نمیشد و

۲۳ - فرمان ش ۳۱ کتاب مدارک تاریخی

۲۴ - تذکرة الملوك - ص ۴۳

بجای آن بالای فرمان در کنار مهر شاهی و یا بالاتر از مهر جملات « جد بزرگوارم طاب‌ثراه » یا « شاه بابام انارالله برهانه » نوشته میشد که نشان میداد صادر کننده فرمان پدر یا جد پادشاه بوده است.

« چون از مضمون نشان نواب گیتی‌ستان فردوس مکانی - بتاریخ شهر رمضان سنه ۱۰۲۱ بامضای فرمان اعلیحضرت خاقان جنت‌مکان علیین آشیانی صادر گشته معلوم و مستفاد شد که ... »^{۲۵} (عکس شماره ۵)

دو نفر رقم نویس مأمور تهیه اینگونه ارقام بودند و بر مبنای مسوده‌ها رقم لازم را تهیه کرده و بجریان میانداختند. بدین‌سان ارقام پس از دستور کتبی یا شفاهی شخص شاه، در سازمان اداری مجلس نویس برشته تحریر درمی‌آمد و بدون اطلاع او هیچ رقمی صادر نمیشد. این موضوع نقش مهمی را که مجلس نویس در سازمان اداره حکومت صفوی داشت روشن میکند. ارقام پس از نوشته شدن بایستی « باطلاع و طغراء قلم‌مداد واقعه نویس ... »^{۲۶} برسد. اما این طغراء قلم‌مداد واقعه نویس چه بوده است. این طغراء عبارت بوده از نوشتن جمله « حکم جهانمطاع شد » با هر کب سیاه و از وظائف انحصاری واقعه نویس بوده است.

« طغراء کشیدن ارقام بقلم سیاهی مختص واقعه نویس و بدیگری نسبت ندارد. »^{۲۷} در اینجا لازم است که در باره واژه طغراء توضیحاتی داده شود. در فرهنگهای لغت طغراء را چنین معنی کرده‌اند:

طغراء عبارت است از القاب و نام شاهان که بخط درشت پیچیده بر بالای فرامین پادشاهی نوشتند. کسی که اینکار را انجام میداد « طغرائی »، « طغراء کش » یا « طغراء نویس » نامیده میشد در لغت نامه دهخدا زیر لغت طغراء چنین آمده است: « در قدیم خطی بوده است منحنی که بر سر احکام ملوک میکشیدند ... نوعی از خط پیچیده حروف که بآن خط بر سر فرمان پادشاهان القاب نویسند ...

۲۵ - فرمان ش ۱۲ کتاب مدارک تاریخی

۲۶ - تذکرة الملوك

۲۷ - تذکرة الملوك چاپ تهران - ص ۱۵

خط سطربری باشد بخط پیچیده که القاب اسم سلطان باشد مثل السلطان اعظم الاعدل و جز آن .

طغراکشیدن بر فرامین بعنوان تصویب آن از طرف شاه بود . تا قبل از حکومت ترکان در ایران بنا بر رسم قدیم ، شاهان ایران فرمانها را مهر میکردند . مرحوم اقبال آشتیانی می نویسد :

« هنر طغرا کشی مستلزم درست سوار کردن نام و القاب سلطان وقت بوده است بشکلی که از مجموع آن شکل تیر و کمانی حاصل آید ، و این عادت گویا ناشی از ایامی بوده است که رؤسای پادشاهان سلجوقی بواسطه نداشتن خط و سواد بجای صحه و امضاء نقشی از تیر و کمان خود بر صدر فرمانها میکشیده اند . »^{۲۸} و شعر زیر را از معزی نیشابوری در مدح تاج الملک ابوالغنائم که طغرا کش ملک شاه بوده است شاهد می آورد :

کار های چون کمان از فضل او گردد چو تیر

چون کشد برنامه شاهنشهی تیر و کمان

یکی از پنج دیوانی که اساس و پایه حکومت سلجوقه را تشکیل میداد دیوان طغرا بود .

در تاریخ سلجوقه بنام طغرائیان مشهوری چون ابو اسماعیل طغرائی مشهور به صفی الدوله و الملک برمیخوریم که مدتی نیز وزیر سلطان مسعود بن محمود بود و در سال ۵۱۵ پس از جنگ بین مسعود و محمود بدستور محمود کشته شد .

« طغرائی یا طغراکش در حقیقت کسی بوده است که فرمانها و مثالها و منشور ها را ب صحه سلطان می رسانده ، و آنها را بنام او توشیح می کرده است . »^{۲۹} طغرائیان مشهور دیگر دوره سلجوقی عبارتند از امیر محمد عمید طغرائی جوزجانی ، ابو اسماعیل کاتب اصفهانی ، شهاب اسعد طغرائی .^{۳۰}

۲۸ - مجله ایران امروز شماره ۱۰ سال ۱۳۱۹

۲۹ - کتاب وزارت در عهد سلاطین سلجوقی تألیف مرحوم اقبال آشتیانی ص ۲۹

۳۰ - نگاه کنید ب کتاب وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی تألیف مرحوم اقبال آشتیانی

طفرائی مشهور دیگری که باید از او نامبرد شمس‌الدین طفرائی است که هم زمان با حمله مغول و حکومت سلطان محمد خوارزمشاه و سلطان جلال‌الدین زندگی میکرد وی در نجات تبریز از کشتارهای هولناک مغول سهمی بزرگ دارد^{۳۱}. در ادبیات فارسی نیز بکلمه طغرا، طغراکش و طغرا نویس بسیار برمیخوریم.

ایکه انشاء عطار در صفت شوکت تست عقل کل چاکر طغراکش دیوان تو بود
حافظ

امید هست که منشور عشقبازی من از آن کمانچه ابرو رسد بطفرائی
بر کاغذ سپهر که منشور خر میست قوس قزح علامت طغرا همیکشد

جمال‌الدین عبدالرزاق

صاحب دیوان ما گوئی نمیداند حساب کاندیرین طغرا نشان حسبه‌الله نیست
حافظ

جمله حسبه‌الله ظاهراً از جملاتی بوده که در نوشتن طغرا بکار برده
میشده است و این بیت حافظ نشانه‌ایست از آن.

پروفسور مینورسکی در کتاب «سازمان‌اداری حکومت صفوی» مینویسد:
«اصطلاح ترکی معروف طغرا در ترکیه عثمانی بر قطعاتی حاوی نام سلطان که بخط خوش و شیوه خاص نوشته شده بود و علامت مخصوص او را تشکیل میداد اطلاق میشد. در ایران این مفهوم برای لغت طغرا شناخته و مشهور نبود.»^{۳۲}

توضیحات مختصر بالا بخوبی میرساند که متأسفانه پروفسور مینورسکی سخت گرفتار اشتباه شده است. زیرا از آغاز تشکیل دولت سلجوقی (۵۲۹هـ - ۱۰۳۷م) یعنی قرن‌ها قبل از تشکیل دولت عثمانی (۱۴۵۳م - ۸۵۷هـ ق) طغرا کشیدن بر فرامین در ایران آغاز شده و این رسم از ایران بوسیله سلاجقه بترکیه رفته و در آنجا متداول گردیده است. به‌لاوه طغرا کشیدن بر فرامین در زمان

۳۱- نگاه‌کننده بجهل‌مفاه کسروی

۳۲- ص ۹۶

اولین پادشاهان صفوی یعنی شاه اسمعیل و شاه تهماسب متداول بوده است. از این دوره به بعد است که طغرا کشیدن بر فرامین بصورت قدیم منسوخ گردیده و طغراها بصورت ساده تری در آمده که همان جملات آغاز فرمانهاست. مانند «حکم جهان مطاع شد»، «فرمان همایون شد» و جز آن در عین حال طغرا کشیدن بصورت سابق نیز در بعضی فرامین دوره صفویه دیده میشود (عکس شماره ۵) فرمانیست از شاه صفی که بسال ۱۰۴۳ هجری صادر گردیده است. و بر آن بشیوه قدیم طغرا کشیده شده است - مضمون طغرا عبارت است از «الحکم لله للمؤید من عند الله ابوالمظفر صفی بهادر الصفوی الموسوی الحسینی سیوزومیز و در داخل خانه های شطرنجی شده اسامی دوازده امام بدین شرح نوشته شده است علی، حسن، حسین، علی، محمد، جعفر، موسی، علی، محمد، علی، حسن، محمد.

(عکس شماره ۶) فرمان دیگری است از شاه عباس دوم که بسال ۱۰۶۰ صادر گردیده است.

مضمون طغرای آن چنین است :

«الحکم لله للمؤید من عند الله، ابوالمظفر عباس بهادر خان الصفوی الموسوی - الحسینی سیوزومیز» و در داخل خانه های شطرنجی اسامی دوازده امام نوشته شده است.

گذشته از دو مورد یاد شده و مواردی که بعد یاد خواهد شد، در دوره صفویه هریک از وزیران اعظم و صدور خود طغرائی مخصوص داشتند که نمونه آنها را پشت فرامین این دوره (در مورد وزرای اعظم) و بالای مثالهای صادر شده از طرف صدور میتوان مشاهده کرد.

اما بجه سبب طغرا کشیدن بشیوه سابق بر فرامین صفوی منسوخ گردید؛ شاید بتوان علت آنرا در سیاست کلی دولت صفوی جستجو کرد. میدانیم که پادشاهان صفوی کوشا بودند که در کلیه امور کشور شیوه ای کاملاً متفاوت با روش دولت عثمانی اتخاذ کنند. بهمین علت تحولات بزرگ در کلیه امور اجتماعی ایران پدید آمد. بنظر میرسد که حذف طغرای فرمانها نیز از جمله این تصمیمات بوده است، زیرا چنانکه میدانیم در این زمان بر کلیه فرمانهای

عثمانی طغرا کشیده میشد، شاید پادشاهان صفوی برای آنکه وجهه تشابهی بین فرامین آنها با فرمانهای سلاطین عثمانی نباشد دستور داده‌اند که از طغرا کشیدن بر فرمانها خودداری شود. و شاید ضروریات دیگر اداری مانند کوشش در سهولت و سرعت در تهیه فرامین انگیزه این کار بوده است.

پس از این توضیح، بچگونگی تشریفات صدور ارقام باز میگردیم. پس از طغرا کشیدن ارقام بقلم سیاهی که از وظایف مجلس نویس بود، ارقام برای مهور شدن نزد اعتمادالدوله فرستاده میشد.

ناگفته نماند پرفسور مینورسکی در مورد طغرانی که بوسیله مجلس نویس در آغاز ارقام نوشته میشد گرفتار اشتباه شده است. زیرا وی مینویسد: «از فرمان دوازدهم مجموعه فرمان های سلطنتی برمی آید که این عبارات را با مرکب سیاه مینوشتند. (الف) حسب الامر اعلی (ب) از قرار نوشته اعتمادالدوله (ج) بر طبق نوشته عالیجاه مقرب الخاقان مجلس نویس مجلس بهشت آئین این عبارت گویا همان طغرا باشد.»^{۳۳}

درست است که هنگام صدور ارقام نوشتن این جملات ظاهراً جزء وظایف مجلس نویس بوده، اما طغرانی که بسیاهی بوسیله مجلس نویس بر ارقام کشیده میشد چنانکه یاد گردید جمله «حکم جهان مطاع شد» میباشد، نه جملاتی که پشت فرمان نوشته میشد.

۴- احکام

احکام عبارت از فرامین درجه دومی بود که جنبه مالی و یسا دستورات اداری داشت و بامور «ممالک» مربوط میشد.

نویسنده تذکره الملوک فرامینی را که بابتکار دیوان بیگی تهیه و بمهرشاهی میرسد حکم نامیده، و اسکندر بیگ منشی در عالم آرائی عباسی ضمن وقایع سال ۱۰۲۶ می نویسد:

احکام مواجب و همه ساله هارا دفترخانه همایون صادر میکرد. همیشه مکنون خاطر انور بود که عسا کر منصوره ملازمان رکاب اشرف حتی شاگرد-

پیشگان عمله بیوتات موجب همه ساله از محل معین داشته باشند در این اوقات متوجه انجام این امر گشته کل طلب عساکر را مجمل از انقدمحال مرحمت فرموده: بعهده عالیجناب اعتمادالدوله میرزا ابوطالب وزیر دیوان اعلی کردند که با ارباب قلم دفترخانه همایون در این زمستان در تبریز توقف نموده رسد هر گروه و هر کس را از محلی که مناسب آنکس باشد ... تشخیص و بقید همه ساله بدست او دهند. عالیجناب اعتمادالدوله و مستوفیان عظام حسب الامر الاعلی در تبریز توقف فرمودند تا آخر سال که چهار ماه بود خدمت مذکور را بنوعی که مأمور بودند بتقدیم رسانیدند.^{۳۴}

از نوشته عالم آراء چنین برمی آید که برای صدور احکام کسب اجازه قبلی پادشاه لزومی نداشت.

احکام بدستور اعتمادالدوله تهیه میگردید، یا بوسیله دیگر وزیران و امرا تهیه گردیده نزد اعتمادالدوله فرستاده میشد. وی نیز پس از تصویب و مهر کردن برای مهور شدن بمهر شاهی میفرستاد.

در مورد اول یعنی احکامی که بدستور اعتمادالدوله صادر میگردید، پشت آن نوشته میشد «از قرار نوشته وزارت و اقبال پناه عظمت و اجلال دستگاه عالیجاهی اعتمادالدوله العلیه الخاقانیه»^{۳۵}

در مورد دوم یعنی احکامی که بتقاضای یکی از امراء صادر میشد پشت آن پس از جمله بالا، نام درخواست کننده اضافه میگردید «طبق نوشته عالیجاه قولل اراقاسی...» پشت بعضی از احکام جمله «حسب الامر اعلی» نیز دیده میشود.

بنابر آنچه در مورد ارقام دیدیم تشریفات صدور اینگونه «احکام» باید چنین باشد که هر گاه یکی از امرا درخواست صدور حکمی را میگرد و مورد موافقت شخص پادشاه قرار میگرفت، بخط خود تعلیقه یا حکمی نوشته با ذکر جمله نامبرده آنرا با اعتمادالدوله تقدیم میکردند و سپس حکم صادر میشد.

در اینگونه موارد پشت احکام چنین نوشته میشد:

۳۴ - کتاب عالم آرای عباسی - ص ۹۲۴

۳۵ - فرمان شماره ۱۲ کتاب مدارک تاریخی ایران

«و حسب الامر اعلی از قرار نوشته سیادت و اقبال پناه عظمت و جلالت دستگاه عالیجاهی اعتمادالدوله العلیه العالیه الخاقانیه بر طبق نوشته عالیجاه قولر آقاسی»^{۳۶}.

۳ - پروانچه ها .

پروانچه‌ها فرامینی بودند که جنبه مالی داشتند، و چون در بیشتر فرامین دوره صفویه کلمات حکم و پروانچه بطور مترادف و با هم بکار برده شده‌اند، میتوان گفت که این دو یعنی احکام و پروانچه‌ها فرامینی شبیه بهم بوده‌اند. در پایان بیشتر فرامین این دوره این جمله بچشم میخورد.

«و هر ساله حکم و پروانچه مجدد طلب ندارند»^{۳۷}.

«و در این باب قدغن دانسته و هر ساله حکم مجدد طلب ندارند و چون پروانچه بمهر مهر آثار رسد اعتماد نمایند»^{۳۸}.

بدین سان باید پروانچه‌ها و احکام را در یک طبقه قرار داد و چنین فکر کرد که تشریفات صدور آنها هم یکنواخت بوده است.

قسمت بزرگی از احکام و پروانچه‌ها در دفترهایون که زیر نظر مستقیم وزیر اعظم بود صادر میگردید. قسمتی نیز که جنبه قضائی داشت بابتکار دیوان بیگی صادر میشد و نزد وزیر اعظم میفرستادند. ظاهراً بخشی از آنها نیز بوسیله منشی الممالک و در دستگاه اداری او تهیه میگردید.

اما در هر صورت کلیه احکام و پروانچه‌ها قبل از آنکه بامضای وزیر اعظم (اعتمادالدوله) برسد، برای طغرا کشیدن نزد منشی الممالک فرستاده میشد.

تذکره الملوك در باره منشی الممالک که لقب مقرب الخاقان داشت چنین

مینویسد :

۳۶ - فرمان شماره ۳۴ کتاب مدارک تاریخی ایران

۳۷ - فرمان شماره ۸۷۶ ج ۲ فرامین فارسی ماتناداران.

۳۸ - فرمان شماره ۴۲ ج ۲ فرامین فارسی ماتناداران و فرمان شماره ۲۵ کتاب

«شغل مشارالیه آنست که پروانجات مبارك اشرف، و ملازمت، و تیول و همه ساله تنخواه مواجب و حکم هائیکه دیوان بیگی میدهد، همگی را منشی الممالک بسرخی و آب طلا بدین موجب، بابتی که «حکم جهان مطاع شده» مینویسد در حکم هائیکست که دیوان بیگی میدهد. بابتی که «فرمان همایون شده» مینویسد بر احکام تنخواه و طلب ملازمان و تیولات و سیورغالات و همه ساله جات عسا کر. بابتی که «فرمان همایون شرف نفاذ یافت» مینویسد در جواب نامه ها و مثالها بیگیست که صدور میدهند طغرا میکشد» ۳۹

در اینجا لازم است گفته شود که نویسنده تذکره الملوك درباره طغرای منشی الممالک گرفتار لغزش و اشتباه شده است، و این از مواردی است که نشان میدهد نویسنده کتاب بسبب عجله بسیاری که در کار خود داشته نتوانسته دقت کافی بکاربرد.

وی درباره طغرائی که منشی الممالک بر فرمانها می کشیده می نویسد:
«بابتی که حکم جهان مطاع شد مینویسد در حکم هائیکست که دیوان بیگی می دهد،

در این جمله تذکره الملوك دو اشتباه وجود دارد. اول اینکه طغرای «حکم جهان مطاع شده» بوسیله مجلس نویس نوشته میشد نه منشی الممالک دوم آنکه این طغرا ویژه «ارقام» بود نه احکام دیوان بیگی. دلایل آنها روشن است:

۱ - در کلیه فرامین موجودی طغرای «حکم جهان مطاع شده» بسیاهی نوشته شده است و بنا بنوشته خود تذکره الملوك «طغرا کشیدن ارقام بسیاهی مختص واقع نویس است و بدیگری نسبت ندارد». بنابراین مسلم است که این طغرا نمیتواند بقلم منشی الممالک باشد.

۲ - هیچ فرمانی در دست نیست که طغرای «حکم جهان مطاع شده» با «آب طلا و سرخی که مختص قلم منشی الممالک» است بر آن کشیده شده باشد.

۳ - کایه فرامین موجود که ما آنرا جزء دسته ارقام قرار دادیم مربوط باعطای منصب، دستورات شاهی، فرمانهائی درباره خلفای مسیحی یا موقوفات کلیساهاست و هیچیک مربوط بامور قضائی یعنی کار دیوان بیکی نیست. بعلاوه این فرمانها مربوط باموری خیلی بالاتر از سطح اختیارات دیوان بیکی است. بدین ترتیب جای تردید نیست که نویسنده تذکره الملوك درباره مورد استعمال این طغرا گرفتار اشتباه شده است.

مورد دیگری که نظر ما را درباره اشتباه نویسنده کتاب تأیید میکند اینست که وی می نویسد:

«بابتی که فرمان همایون شرف نفاذ یافت مینویسد، در جواب نامه ها و مثالهاییست که صدور میدهند».

در اینجا لازم است که درباره مثالها توضیحاتی بدهیم. مثال کسه پروفور مینورسکی می نویسد «معنی آن مبهم است»^{۴۰} عبارتست از احکام شرعی یافتوای «صدرها» در امور مذهبی. هنگامیکه لازم بود نظریکی از صدرها که در حقیقت حکام شرع بودند درباره يك موضوع مذهبی اعلام گردد در این باره مثالی صادر میشد. و برای آنکه مثال صادر شده ضمانت اجرا داشته باشد معمولاً با فرمان شاهی تأیید میگردد.

اگر مثال را «صدر خاصه» صادر میکرد، یعنی مربوط بامور خاصه بود فرمان آن بصورت رقم (عکس شماره ۸ و ۷) و اگر مثال را صدر الممالک صادر میکرد یعنی مربوط بامور ممالک بود فرمان بصورت حکم صادر میشد. (عکس شماره ۹)

شیخ الاسلامها وقضات شرع نیز بوسیله صدور تعیین میگردد و برای انتصاب آنها «مثال» صادر میشد (عکس شماره ۸ و ۷)

معمولاً فرمان شاه در قسمت راست (عکس شماره ۹) یا بالای صفحه نوشته میشد و مثال در طرف چپ یا پائین صفحه. گاهی نیز فرمان و مثال بر دوروی يك کاغذ نوشته میشد. (عکس شماره ۷ و ۸)

موجود نیستند. و طغرای آب طلا و سرخی، مختص قلم منشی الممالک و بدیگری نسبت ندارد. ۴۲ بنا بر این بنظر میرسد که منشی الممالک در کار تهیه اسناد دولتی و شاید فرامین شاهی نقش مهم تری بعهدہ داشته است. بویژه که نویسنده کتاب می نویسد: وی «از جمله مقرران در بار گیتی مدار و بار یافتگان مجالس خاص و عام» بوده است.

اگر وظایف دیگری هم بعهدہ منشی الممالک بوده، نویسنده کتاب از آن نام نمی برد. اما آنچه مسلم است و از عنوان وی برمی آید بایستی تهیه فرامین و مکاتبات مربوط بامور ممالک بعهدہ او بوده باشد.

در اینجا پیرامون اصطلاح «ممالک» باید توضیح کوتاهی داده شود. بدو واژه «ممالک» و «خاصه» در تاریخ دوره صفویه بسیار برمیخوریم. «خاصه» یا «خاصه شریفه» در حقیقت بدر بارشاهی و دستگاه سلطنتی و متعلقات مربوط بآن گفته میشود که شامل املاک، بیوتات، کاخها و سازمانهای مربوط بدر بار بود. از زمان شاه صفی «خاصه» مفهوم وسیع تری یافت و بسیاری از ولایات و استانهای کشور نیز جزء «خاصه» گردید. ممالک شامل استانهایی بود که تحت نظر بیگلربیگیها و خانها اداره میشد. مشاغل آنها مادام العمر بود. این حکام تاحد زیادی آزادی عمل داشتند و قسمت عمده درآمد هر ولایت در همانجا بمصرف نگاهداری قشون و امور اداری میرسید. در برابر «ممالک»، «خاصه» قرار داشت که مباشران آنرا اداره میکردند؛ و درآمد آن بخزانہ شاه ریخته میشد. در نتیجه مباشران برای ازدیاد درآمد بهر کاری دست میزدند و این یکی از معایب بزرگ حکومت صفوی بود.

فرمانها پس از طغرا کشیدن بوسیله منشی الممالک، برای رسیدن بمهر وزیر اعظم یا اعتماد الدوله به دیوان وزیر اعظم فرستاده میشد. کلیه فرمانها از جمله «ارقام» قبل از آنکه بمهرشاهی برسد باید بمهر وزیر اعظم رسیده باشد بنا بر این هیچ فرمانی بمهرشاهی نمیرسید مگر آنکه قبلا بوسیله وزیر اعظم

مهرشده باشد . و ه ارقام تعیین مناصب و ضمن کل ارقام البته باید اولاً بمهر عالیجاه معظم له رسیده ثانیاً به مهر آثار اقدس اعلی مزین گردد . ۴۳

پس از طی این تشریفات فرمان برای مهرشدن بحضور شاه فرستاده میشود . اینکه پرفسور مینورسکی بر مبنای نظرشاردن نوشته است که فرمانها پس از طغرا کشیدن « برای وزیر اعظم ارسال میشود که وی آنرا بحضور شاه برای دستینه - گذاری ببرد بعد از آن وزیر اعظم نیز آنرا بمهر خویش مهور و تأیید میگرد» ۴۴

اشتباه است .

بنابنوشته تذکرة الملوك هیچ فرمانی که جنبه اداری در دولت صفوی داشت قبل از آنکه بمهر وزیر اعظم برسد بوسیله مهرشاهی مهور نمیشد .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۴۳ - تذکرة الملوك چاپ تهران - ص ۵

۴۴ - سازمان اداری - ص ۲۵۸